

فصل نامه جندی شاپور، دانشگاه شهید چمران

سال یکم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۴

اهداف انگلیس از تأسیس دفاتر کنسولگری در شهرهای مختلف ایران

سجاد کاظمی^۱

تاریخ دریافت: ۹۴/۵/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۴/۶/۳۰

چکیده

کنسولگری دفتری رایزنی است که دولت‌ها بر اساس روابط کامل‌الوداد به استقرار نمایندگان خود در قلمرو یکدیگر جهت فعالیت‌های تجاری و رسیدگی به امور اتباع خود مبادرت می‌ورزند، اما چه بسا دفاتر کنسولی به محلی برای پیشبرد اهداف سیاسی مبدل می‌شوند. ایران به عنوان یک منطقه نفوذ ماهیت تأسیس دفاتر کنسولی دو کشور روس و انگلیس را در شهرهای مختلف ایران آشکار می‌سازد. در این جستار با رویکردی توصیفی - تحلیلی ضمن بررسی چگونگی تأسیس دفاتر کنسولی و اخذ امتیاز حق قضاوت کنسولی (کاپیتولاسیون) انگلیس در ایران، به این پرسش پاسخ می‌دهیم که اصولاً هدف اصلی انگلیس از افزایش و تعدد کنسولگری‌های خود در شهرهای ایران چه بود. از آنجا که در برخی نقاط؛ انگلیس دارای منافع تجاری یا حضور اتباع خود نبود، تأسیس و تعدد دفاتر کنسولی انگلیس نمی‌توانست جزء در قالب اهداف سیاسی بگنجد. ضمن اینکه در برخی مناطق نیز منافع تجاری دنبال می‌شد. در این رابطه رقابت با روسیه و مقابله با نفوذ این کشور برای انگلستان در اولویت بود.

واژگان کلیدی: کنسول، کنسولگری، انگلیس، کاپیتولاسیون، شهرهای ایران.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

کنسول^۱ نماینده یک دولت در قلمرو دولت دیگر است. در طول قرن نوزدهم میلادی وظایف کنسول ها عبارت بودند از:

۱. برقراری ارتباط با کشورشان شامل ارائه مستندات، دریافت حقوق، و فراهم کردن اطلاعات و اخبار.
۲. ارتباط با اتباع کشورشان شامل کمک به گسترش فعالیت های تجاری شان، صدور گذرنامه و روایید آنان، و رسیدگی به هم وطنان بیمار و گرفتار و موارد مربوط به تولد و فوت آنان.
۳. ارتباط با حکومت های خارجی شامل برقراری ارتباط با حکام و متنفذین محلی، و ارتباط با دفاتر کنسولی دیگر کشورهای مقیم در آنجا.^۲

در مقایسه بین سفیر و کنسول؛ سفیر نماینده سیاسی رئیس دولت خویش نزد رئیس دولت کشور دیگر است و صرفاً یک جایگاه و مقام دیپلماتیک (سیاسی) را نمایندگی می کند. هر کشور در کشور دیگر تنها می تواند یک سفیر و سفارتخانه داشته باشد، اما تعداد کنسول ها و دفاتر کنسولگری^۳ می تواند بیش از این باشد.^۴ با وجود آنکه کنسول ها به امور تجاری و اتباع کشور خویش می پردازند، و سفیر امور سیاسی را بر عهده دارد، اما عملاً دفاتر کنسولی نیز چنانکه شرح خواهیم داد به محلی برای پیشبرد اهداف سیاسی مبدل شدند.

در ارتباط با پیشینه تاریخی حضور انگلیس ها تا تاسیس نظام کنسولی در اواسط قرن نوزدهم می توان گفت حضور آنان در ایران در ابتدا نه به عنوان دشمن و یا نیروی سیاسی و نظامی؛ بلکه به عنوان تاجر و بازرگان وارد ایران شدند. در واقع ریشه تاریخی سیاست استعماری انگلیس در جهان نیز به ظهور طبقه تاجر و سرمایه دار شهری بر می گردد، در قرن شانزدهم میلادی تجار، ماجراجویان و دریانوردان از حمایت ملکه الیزابت اول^۵ (۱۶۰۳-۱۵۵۸م) برخوردار بودند. در این زمان اینان در رقابت تجاری با دول استعماری وقت یعنی پرتغال و اسپانیا به تاسیس کمپانی های تجاری همت گماشتند؛ از جمله کمپانی هند شرقی^۶ که در نتیجه تلاش های یک تاجر معروف به نام رالف فیچ^۷ در سال ۱۶۰۰م برای تجارت با هند تاسیس شد. این کمپانی به مرور توانست تجارت جزایر و بنادر آسیا، آفریقا، و آمریکا را از دماغه امید نیک در جنوب آفریقا تا تنگه ماژلان در شرق را در انحصار خویش قرار دهد.^۸

1 . Consul

2. see: Degoey, The business of Consuls, Consuls and businessmen, pp 6-7.

3 . Consulate

4 . Ibid, p 2.

5 . Elizabeth I

6 . East India Company

7 . Ralph Fitch

۸. مورا، تاریخ انگلستان، صص ۲۶۰-۲۵۱؛ بهار، میراث خوار استعمار، ص ۲۴۷.

نمایندگان این کمپانی برای اولین بار در زمان شاه عباس اول (۱۰۳۸-۱۰۹۸ق/ ۱۶۲۹-۱۵۸۷م) توانستند موافقت وی را در تأسیس برخی دفاتر تجاری در بندر جاسک، سپس شیراز و اصفهان جلب کنند پس از پیروزی مشترک بر پرتغالی‌ها در سال ۱۳۰۱ق/ ۱۶۲۲م دفتر دیگری در بندر عباس تأسیس کردند که پس از این به مهمترین مرکز تجاری آنان در ایران در آمد.^۱ در این زمان انگلیسی‌ها و حتی پس از آن تا قرن هجدهم میلادی حضور آنان محدود به فعالیت‌های تجاری و تأسیس دفاتر مربوط به آن در چارچوب قرار دادهای دو جانبه بود و مطابق با تفسیر جان فوران^۲ از نظریه نظام جهانی امانوئل والرشتاین^۳ ایران هیچ گونه وابستگی به غرب نداشت و روابط و معاهدات از مواضع برابر بود.^۴ اما از اوایل قرن نوزدهم که دولت انگلیس، ناپلئون بناپارت^۵ و دولت تزاری روس را تهدیدی علیه منافع خود در هند و خلیج فارس دیده بود درصدد ارتقاء روابط خود با ایران بر آمد. نفوذ فرانسه و سپس روسیه باعث شد که انگلیسی‌ها و نمایندگان کمپانی آنها در هند توجه بیشتری به ایران نشان دهند و متعاقباً رفت و آمد آنان به ایران نیز بیشتر شد.^۶

با سقوط ناپلئون در سال ۱۸۱۵ م، ایران به منطقه نفوذ روس و انگلیس در آمد که، همچون دو لبه قیچی عمل می‌کردند، هر کدام که موفق به کسب امتیازی می‌شد دیگری نیز برای اینکه از رقیب عقب‌نماند تحت هر شرایطی امتیاز مشابه را به دست می‌آورد. اجازه تأسیس دفاتر کنسول‌گری و حضور کنسول‌ها در ایران از جمله این امتیازات بود که، فراتر از فعالیت‌های تجاری، نفوذ و سیطره سیاسی و قضایی دولت متبوع را نیز در بر گرفت. با وجود آنکه پرداختن به امور سیاسی خارج از وظایف دفاتر کنسولی و در حیطه وظایف سفارتخانه بود، اما در این زمان کنسول‌گری‌ها که فعالیت‌های آنها بایستی محدود به تجارت و امور اتباع باشد؛ به محلی برای پیشبرد اهداف سیاسی مبدل شدند و نظام کنسولی به یکی از اهرم‌های گسترش و بسط نفوذ انگلیس در شهرهای ایران تبدیل شده بود.

در کنار اهمیت و توجه به بسیاری از امتیازات واگذاری به انگلیس در دوره قاجار؛ امتیاز تأسیس کنسول‌گری در شهرهای مختلف ایران و به تبع آن حق قضاوت کنسولی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در این جستار به جریان تأسیس دفاتر کنسول‌گری انگلیس، تعدد و ماهیت اهداف آنها در شهرهای مختلف ایران می‌پردازیم.

۱. میراحمدی، پژوهشی در تاریخ معاصر ایران، ص ۲۸.

2 . John Foran

3 . Emmanuel Wallerstein

۴. فوران، مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ص ۱۱۳.

5 . Napoleon Bonaparte

۶. نک: مالکوم، تاریخ ایران، ج ۲، ص ۴۹۰؛ سایکس، تاریخ ایران، ج ۲، ص ۴۳۶.

چگونگی اخذ امتیاز تأسیس کنسولگری و حق قضاوت کنسولی

پس از پیمان شکنی فرانسه در عهدنامه تیلسیت^۱ (۱۲۲۲ق/۱۸۰۷م) زمینه های گسترش روابط ایران و انگلیس فراهم گردید. سرهار فورد جونز^۲ سفیر اعزامی بریتانیا در نخستین موافقت نامه (مجممل) (۱۲۲۴ق/۱۸۰۹م) از فتحعلی شاه (۱۲۵۰-۱۲۱۱ق/۱۸۳۴-۱۷۹۷م) درخواست نمود که برای ایجاد روابط دائمی بین دو دولت به نمایندگان انگلیس اجازه داده شود که در شهرهای شیراز، اصفهان، یزد، قزوین، و تبریز دفاتر کنسولگری تأسیس کنند.^۳ اما از آنجا که بین سفیر رسمی انگلیس یعنی سر هار فورد جونز و سر جان مالکوم^۴، نماینده کمپانی هند شرقی بر سر نمایندگی ارتباط با ایران اختلافاتی بروز کرد، این توافقنامه به جایی نرسید و شرایط روابط با ایران به توافق نامه های بعدی موقوف گردید. رایت می گوید اعزام سفیر بعدی یعنی سر گور اوزرلی^۵ به عنوان نماینده تام الاختیار و سفیر فوق العاده بریتانیا در واقع به مثابه مشت محکمی بر دهان کمپانی هند شرقی تلقی گردید.^۶

یکی از مهمترین اهداف سفیر جدید تلاش برای تأسیس سفارتخانه در تهران بود، گفته می شود دولت بریتانیا سعی دارد از دولت ایران زمینی را گرفته و در آن اقدام به احداث ساختمانی جهت سفارتخانه نماید. اگر چه اوزلی توانست به این اقدام مهم دست یابد و اولین سفارتخانه انگلیس را در باغ ایلچی تهران تأسیس کند، اما به مرور این محل در معرض انهدام قرار گرفت و در زمان سفارت چارلز آلیسون^۷ (۷۲-۱۸۶۰م) در دهکده قلحک نخسین سنگ بنای سفارتخانه جدید گذاشته شد که تا به امروز دایر است. علاوه بر این، وزارت امور خارجه بریتانیا از اوزلی خواسته بود تا در شهرهایی که جهت گسترش بازرگانی و تجارت و اعمال حمایت از اتباع انگلستان لازم است در آنها کنسولگری دایر کند، اما انگلستان از آنچه که امیدوار بود در این زمان نیز طرفی نسبت.^۸

روسیه پیش از انگلستان توانست کنسولخانه هایی در ایران تأسیس کند. برای اولین بار در عهدنامه گلستان (۱۲۲۸ق/۱۸۱۳م) روسیه توانسته بود جواز استقرار کنسولهایی را در جهت حمایت و کمک به تجار تبعه خود به دست آورد. پس از این در سال (۱۲۴۳ق/۱۸۲۸م) بر اساس عهدنامه ترکمنچای روس ها اجازه یافتند تا هر گاه منافع آنان ایجاب نماید در هر شهری به استقرار کنسولگری اقدام کنند.

۱ . Tilsit (از شهرهای روسیه که امروز ساویستیک خوانده می شود)

۲ . Sir Harford Jones

۳ . شمیم، ایران در دوره سلطنت قاجار، ص ۷۶.

۴ . Sir John Malcom

۵ . Sir Gore Ouseley

۶ . رایت، انگلیسی ها در میان ایرانیان، ص ۳۱.

۷ . Charles Alison

۸ . نک: همان، صص ۱۵۴، ۶۵-۶۴، ۳۵؛ و طلوعی، ترس از انگلیس، ص ۶۳.

همچنین اعطای حق قضاوت کنسولی^۱ اتباع این دولت را از قوانین ایرانی معاف کرده بود.^۲ پس از این بود که انگلیسی‌ها نیز با جدیت بیشتری به دنبال تأسیس کنسول‌گری و حق قضاوت کنسولی بودند، ضمن اینکه روس‌ها در تحمیل معاهده ترکمنچای از چراغ سبز انگلیسی‌ها نیز بر خوردار بودند. به نظر می‌رسد هدفی را که انگلیسی‌ها پیش از این دنبال می‌کردند پس از این معاهده راحت‌تر می‌توانستند به دست بیاورند.

در ابتدا انگلستان به جهت گسترش تجارت خود در شمال یک کنسول‌گری در طربوزان تأسیس کرده بود، اما در این زمان تبریز از رونق اقتصادی بیشتری برخوردار بود، بنابراین زمانی که جان کمپل^۳ سفیر انگلستان در سال ۱۸۳۵م دستور العملی از وزارت امور خارجه دریافت کرد مبنی بر اینکه با ایران وارد یک قرار داد تجاری شود خواسته شد ماده مربوط به تأسیس کنسول‌گری نیز در آن گنجانده شود. اما محمدشاه (۱۲۶۴-۱۲۵۰ق/۱۸۴۷-۱۸۳۴م) که تازه به سلطنت رسیده بود به شدت با آن مخالفت نمود و گفت: «این برای ما خوب نیست و امتیازی که روس‌ها به منظور استقرار کنسول‌های شان به دست آوردند متضمن زیان‌های فراوانی برای ما بوده است».^۴ پس از وی، از هنری الیس^۵ خواسته شد که تلاش‌های کمپل را دنبال کند، اما الیس نیز به دلیل نفوذ روس‌ها در دربار محمد شاه موفقیت چندانی به دست نیاورد. واتسون اشاره می‌کند این میرزا ابوالقاسم فراهانی صدراعظم بود که از تأسیس کنسول‌گری انگلیس در ایران ممانعت به عمل می‌آورد و از سفیر انگلیس خواست که در این مورد اصرار نرزد و موضوع را به زمان مناسب‌تری موکول کند.^۶

دولت انگلیس که نمی‌خواست از رقیب خود عقب بماند این ماموریت را به سرجان مک نیل^۷ که در عقد قرارداد ترکمنچای نیز دخالت داشت، سپرد، اما وی نیز تا سال ۱۸۳۸م موفق به کسب چنین امتیازی نشد. تنها محاصره هرات در سال ۱۲۵۳ق/۸-۱۸۳۷م توسط ایران که منجر به دخالت انگلستان و تصرف جزیره خارک و کوتاه آمدن محمد شاه از اشغال هرات شد، شرایط تحمیل چنین قراردادی فراهم گردید. پیتر آوری اشاره می‌کند از آنجا که روسیه طبق معاهده ترکمنچای حق هر گونه تأسیس کنسول‌گری در هر نقطه از ایران را داشت؛ اشغال هرات توسط ایران که به تحریک خود روسیه نیز بود منجر به

1 . Capitulation

۲. رایت، انگلیسی‌ها در میان ایرانیان، ص ۱۵۴؛ شمیم، ایران در دوره سلطنت قاجار، صص ۱۰۳-۱۰۲.

3 . John Campbell

۴. رایت، انگلیسی‌ها در میان ایرانیان، ص ۱۵۵.

5 . Henry Ellis

۶. واتسن، تاریخ قاجار، ص ۲۰۰.

7 . Sir John MC Neill

تاسیس کنسول‌گری این کشور در هرات خواهد انجامید و این به معنای نزدیکی روسیه به هند بود، از اینرو انگلیس به دخالت ایران در هرات به شدت واکنش نشان داده بود.^۱ در این زمان اشغال هرات در واقع به منزله «بزنگاهی»^۲ بود که، انگلیس می‌توانست خواسته‌های خود را بر ایران تحمیل کند. پس از کوتاه آمدن محمد شاه، بلافاصله سر جان مک نیل دست به کار شد و در سال ۱۲۷۵ق/ ۱۸۴۱م قراردادی با شاه منعقد نمود که تا حدودی آنچه را که روس‌ها در ترکمنچای به دست آوردند، انگلیسی‌ها نیز به آن نائل آمدند. در این قرارداد علاوه بر توافق‌های تجاری، امتیاز تاسیس دو کنسول‌گری در تبریز و تهران نیز به انگلیسی‌ها داده شد.^۳ با وجود این، انگلستان هنوز هم از روسیه عقب بود، چرا که انگلستان فقط در دو نقطه می‌توانست کنسول‌گری احداث کند، اما روسیه طبق معاهده ترکمنچای مجاز بود در هر کجا که لازم باشد به تاسیس کنسول‌گری اقدام کند. اما در زمان ناصرالدین شاه (۱۳۱۳- ۱۲۶۴ق/ ۱۸۹۵- ۱۸۴۷م) طی جنگ‌های سال‌های ۵۷-۱۸۵۶م بر سر افغانستان که به عهدنامه پاریس (۱۲۷۳ق/ ۱۸۵۷م) منجر گردید، بار دیگر ایران مغلوب گردید و انگلستان موفق به کسب امتیازات بیشتری در این زمینه از ایران شد. طبق بند نهم عهدنامه پاریس؛ طرفین با برخورداری از حق دول کامله الوداد تاسیس کنسول‌گری و استقرار نمایندگان کنسول‌ها را در قلمرو یکدیگر پذیرفته‌اند و مهمتر آنکه در بند دوازدهم، دولت ایران حق قضاوت کنسولی یا کاپیتولاسیون را نیز به انگلیسی‌ها تفویض نمود.^۴ بنابراین از این حیث انگلستان نیز در موقعیتی هم‌تراز با روسیه قرار گرفت؛ از یک طرف حق تاسیس کنسولگری در شهرهای مختلف ایران را به دست آورد، ضمن اینکه دولت ایران نیز طبق معاهده چنین حقی را به دست آورده بود، اما عملاً قادر به تحقق چنین عملی در حوزه امپراطوری بریتانیا نبود. از طرف دیگر انگلستان نیز همچون روسیه از حق کاپیتولاسیون برخوردار گردید و اتباع خود را از قوانین قضایی ایران معاف نمود.

گسترش کنسول‌گری‌های انگلیس در شهرهای مختلف ایران و اهداف آن

در این زمان تشکیلات کنسولی منظمی وجود نداشت. در نیمه اول قرن نوزدهم اغلب کنسول‌ها از میان تجار انتخاب می‌شدند، اما از نیمه دوم قرن نوزدهم رفته رفته مدارس برای تربیت کنسول‌ها و دیپلمات‌ها تاسیس شده بود.^۵ در ابتدا از تجار انگلیس مقیم ایران یک نفر به سمت کنسولی انتخاب

۱. آوری، تاریخ معاصر ایران، از تاسیس تا انقراض سلسله قاجار، ص ۱۰۷.

۲. لحظات گشودگی و گستردگی دایره انتخاب‌های پیش روی کنشگران را «بزنگاه» می‌گویند و یک فرصتی است که می‌تواند به خلق یک تحول سیاسی منجر شود. نک: پیرسون، سیاست در بستر زمان، تاریخ، نهادها و تحلیل اجتماعی، ص ۷۶.

۳. رایت، انگلیسی‌ها در میان ایرانیان ص ۱۵۶ و مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران، ص ۲۵۷.

۴. نک: لسان‌الملک سپهر، ناسخ‌التواریخ، ج سوم، صص ۵۴-۱۴۵۳.

5. Degeoy, The business of Consuls, Consuls and businessmen, p 15.

می‌گردید که ضمن پرداختن به شغل تجاری خود کارهای کنسولی را نیز انجام می‌داد، چنانکه ادوارد والتر بونهام^۱ اولین کنسول تبریز در سال ۱۸۴۱م یک تاجر بود که از نه سال پیش در این شهر به تجارت اشتغال داشت. در همین زمان کیت ادوارد آبت^۲ به مقام کنسول‌گری تهران انتخاب گردید که سابقه تجارت در در عثمانی و ایران را داشته است،^۳ با وجود این، به مرور زمان با به راه انداختن تشکیلات و خدمات کنسولی این کنسول‌های تاجر پیشه جای خود را به کارمندانی دادند که از اعضای دیپلماتیک بودند و معمولاً از کارمندان سیاسی اداره هند تعیین می‌شدند؛^۴ به ویژه از سال ۱۸۵۹م که حکومت کمپانی هند شرقی ضمیمه پادشاهی بریتانیا گردید، هیئت‌های دیپلماتیک در ایران از وزارت امور هندوستان انتخاب می‌گردیدند.^۵

پس از تبریز و تهران، سومین کنسول‌گری انگلیس بعد از معاهده پاریس ۱۲۷۳ق/ ۱۸۵۶م در رشت تأسیس گردید. اولین کنسول انگلیس در رشت نیز سروان چارلز فرانسیس مکنزی^۶ بود که پیش از این در سال ۱۸۴۵م در خدمت کمپانی هند شرقی بود و در سال ۱۸۵۵م با درجه سروانی در جنگ‌های کریمه شرکت داشت.^۷ علت انتخاب گیلان از یک طرف به دلیل موقعیت آن در رونق تجارت ابریشم بر می‌گردد که در این زمان در دست کمپانی رالی^۸ بود. اگرچه مکنزی این شرکت را شکست ناپذیر و رقابت با آن را به دلیل سرمایه و اطلاعات وسیع آن در این زمینه بی‌فایده می‌دانست. اما معتقد بود می‌توان چای و قند بیشتری وارد کنیم و ورود این دو کالا را از روسیه متوقف سازیم.^۹ با وجود این به نظر می‌رسد دلیل اصلی انگلیس در احداث کنسول‌گری رشت در حقیقت زیر نظر گرفتن فعالیت روس‌ها در نواحی شمالی بود، چرا که روس‌ها پیش از این در سال ۱۲۵۲ق/ ۱۸۳۶م کنسول‌گری خود را در رشت تأسیس کرده بودند. از دیدگاه روسیه منافع تجاری بریتانیا در مناطق شمالی تأسیس کنسول‌گری

1 . Edward Walter Bonham

2 . Keith Edward Abbott

۳. آبت همچنان از ۲۶ آوریل ۱۸۴۲ تا ۲۳ اکتبر ۱۸۴۳ مسئول کنسول‌گری تبریز بود و پس از درگذشت محمدشاه در ۱۸۴۸م از تبریز به تهران در معیت ناصرالدین شاه بود. بار دیگر در سال ۱۸۵۴ به تبریز بازگشت و تا زمان آغاز جنگ ایران و انگلیس در سال ۱۸۵۶ در این شهر بود و پس از برقراری مجدد روابط به سمت سر کنسول‌گری تبریز منصوب و از ۱۸۵۷ تا ۱۸۶۸ در این مقام بود. نک: رابینو، دیپلماتها و کنسولهای ایران و انگلیس، ص ۲۱.

۴. رایت، انگلیسی‌ها در میان ایرانیان، ص ۱۶۰.

۵. رابینو، دیپلماتها و کنسولهای ایران و انگلیس، ص ۱۵.

6 . Captain Charles Francis Mackenzie

۷. نک: مکنزی، سفرنامه شمال، صص ۸-۷.

8 . Ralli Company

این کمپانی را پنج برادر انگلیسی بنا نهادند که از سال ۱۲۴۵ ه.ق/ ۱۸۳۰م شعبه‌ای از آن در تبریز شروع به کار کرد. این کمپانی ابتدا تحت حمایت روسیه بود. نک: رایت، انگلیسی‌ها در میان ایرانیان، ص ۱۹.

۹. مکنزی، سفرنامه شمال، صص ۱۰۱-۱۰۰.

را ایجاد نمی‌کرد، چرا که انگلیس با ایالات جنوب دریای مازندران مناسبات تجاری نداشت. مکنزی و جانشینانش موظف بودند اقدامات دولت روسیه در دریای مازندران و قفقاز و نیز تحرکاتش در آسیای مرکزی در مسیر مرزهای هندوستان را دائماً زیر نظر داشته باشند. از اینرو هدف انگلیس از تاسیس این کنسول‌گری به هیچ وجه جنبه تجاری یا حفظ منافع اتباع آن کشور را نداشت، چرا که از یک طرف پس از استقرار کنسولگری شاهد رونق روابط تجاری در این ناحیه نیستیم، و از طرفی تا سال ۱۸۷۱م هیچ تاجر یا تبعه‌ای از بریتانیا در گیلان زندگی نمی‌کرد.^۱ مکنزی خود می‌گوید: «هرچند هر ایرانی که با جغرافیا آشنایی داشته باشد... خواهد دید که امپراطوری ما وسیع و قدرت نظامی ما زیاد است و ما اگر به دلیل دیگری هم نباشد به خاطر منافع خودمان باید از سلطنت ایران علیه روس‌ها حمایت کنیم تا هندوستان محفوظ بماند».^۲ انتصاب افراد نظامی نه تاجر به کنسول‌گری نواحی شمالی نیز می‌تواند دلیلی بر اهمیت مقابله با نفوذ روسیه باشد.

اما چهارمین کنسول‌گری انگلیس در استرآباد (گرگان) دایر گردید. این منطقه به دلیل داشتن بندری موسوم به گز، مجرای مناسب برای نفوذ اقتصادی روسیه در شرق ایران و نیز آسیای مرکزی محسوب می‌شد. از منظر نظامی هم ولایت استرآباد به سبب امکانات تدارکاتی چون آب و آذوقه و علوفه بهترین مسیر برای قشون کشی احتمالی روسیه از گز- استرآباد- شاهرود و آن‌گاه خراسان- افغانستان- و هندوستان بود.^۳ رایت اشاره می‌کند انگلیسی‌ها که خود را مواجه با توسعه طلبی روس‌ها در شرق می‌دیدند این کنسول‌گری را در سال ۱۸۷۹م ایجاد کردند تا محلی جهت دیدبانی باشد.^۴ سرگرد سنت جان^۵ از ۱۸۷۹ تا ۱۸۸۰ و سروان لوت^۶ از ۱۸۸۰ تا ۱۸۸۳م به ترتیب کنسول‌گری استرآباد را در اختیار داشتند.^۷

در سال ۱۸۸۹م وزیر مختار سر مورتیمور دوراند^۸ نیز به منظور مقابله با روس‌ها و افزایش اعتبار انگلستان در خواست نمود تا تعداد دفاتر کنسول‌گری در ایران افزایش یابد، علت آن هم این بود که در این زمان روس‌ها توانستند کنسول‌گری جدیدی در مشهد ایجاد کنند، و چون ناصرالدین شاه نیز مایل نبود روسیه یکه تاز میدان باشد اجازه تاسیس کنسول‌گری در مشهد را به انگلیسی‌ها داده بود. از اینرو

۱. برای اطلاع بیشتر نک: کاظم بیگی، «کنسول‌گری بریتانیا در ایالات جنوبی دریای مازندران در دوران قاجاریه و کارکنان محلی آن»، صص ۷۶-۷۸.

۲. مکنزی، سفرنامه شمال، ص ۶۱.

۳. کاظم بیگی، «کنسول‌گری بریتانیا در ایالات جنوبی دریای مازندران در دوران قاجاریه و کارکنان محلی آن»، ص ۷۴.

۴. رایت، انگلیسی‌ها در میان ایرانیان، صص ۶۴-۱۶۳.

5 . Major St. John

6 . Captain Lovett

۷. رابینو، دیپلماتها و کنسولهای ایران و انگلیس، صص ۹۸، ۷۱.

8 . Sir Mortimer Durand

سرهنگ چارلز مک‌لین^۱ را که در ارتش هندوستان خدمت کرده بود و در تحدید حدود ایران و افغانستان نقش داشت در همین سال به عنوان کنسول مشهد انتخاب شد. وظایف این کنسول گری علاوه بر رسیدگی به زائران شیعه هندی و روابط میان حکمرانان مشهد و هرات، فراهم آوردن اطلاعات و اخبار پیرامون عملیات روس‌ها در مرزهای شرقی بود^۲. تلاش‌های مورتیمیر دوراند باعث گسترش هر چه بیشتر دفاتر کنسولی انگلیسی در ایران شد و از این زمان انگلستان نسبت به رقیب شمالی نفوذ بیشتری در شهرهای ایران بدست آورد.

کنسولخانه‌های محمره (خرمشهر)، و اصفهان نیز به دنبال کسب امتیاز کشتیرانی در رود کارون (۱۳۰۶/۱۸۸۸ م) تأسیس شدند، چرا که از این مسیر به راحتی می‌توانستند کالاهای خود را سریع تر، ارزان تر و با امنیت بیشتر از جنوب به نواحی داخلی و مرکزی ایران انتقال دهند. در سال ۱۸۹۰م ویلیام مک دوال^۳ کارگزار سازمان تلگراف هند و اروپا به عنوان نایب کنسول این شهر انتخاب شد. یک سال بعد کنسول گری اصفهان تأسیس شد و جان ریچارد پرایس^۴ در آنجا منصوب شد. اهداف اقتصادی در تأسیس این دو کنسول گری بیشتر دارای اهمیت بود، در سال ۱۹۰۴م به دنبال رونق گرفتن این مسیر بود که کنسول گری دیگری در اهواز توسط سرگرد دیوید لاکهارت رابرتسن لوریمیر^۵ تأسیس شد و این شهر به نقطه ترانزیت کالاهای وارده از خرمشهر به اصفهان تبدیل شد.^۶

نقش کنسولخانه‌های خرمشهر، اهواز و اصفهان پس از کشف نفت (۱۹۰۸-۱۹۰۱ م) بیشتر حائز اهمیت گردید، چنانکه دیوید لوریمیر نایب کنسول اهواز از طرف حکومت هند و سفارت انگلیس عهده دار مسئله نفت و امور خوانین بختیاری شد و یا قبل از لوریمیر؛ ویلیام ناکس داریسی^۸ کنسول اصفهان را به عنوان نماینده ویژه و تام‌الاختیار خود تعیین کرد تا با خوانین بختیاری وارد مذاکره شود. همچنین به دلیل اهمیت راه تجاری بغداد-تهران در سال ۱۹۰۳م یک کنسول گری در کرمانشاه تأسیس شد و هاسینت لویی رابینو^۹ به عنوان نماینده موقت کنسولی آن انتخاب شد.^{۱۰}

1. Charles Maclean

۲. رایت، انگلیسی‌ها در میان ایرانیان، صص ۱۶۸-۱۶۵، ۱۵۹.

3. William Mac Doull

4. John Richard Preece

۵. رابینو، دیپلماتها و کنسولهای ایران و انگلیس، صص ۱۴۷، ۱۳۶، ۱۰۵، ۴۵.

6. Major David Lockhart Robertson

۷. همان، ص ۹۷ و رایت، انگلیسی‌ها در میان ایرانیان ص ۱۶۹.

8. William Knox Darcy

9. Hyacinth Louis Rabino

۱۰. لویی رابینو فرزند ژوزف رابینو بود که پدر ایشان از اتباع یهودی تبار مقیم فرانسه بود، اما پس از قبول تابعیت دولت انگلیس به مدیر کلی بانک شاهنشاهی در تهران منصوب گردید لویی نیز به اهتمام پدر به خدمت در شعبه بانک شاهی در کرمانشاه گمارده شد. از سال ۱۹۰۳ تا ۱۹۰۵ نیز سمت کنسولی این شهر را بر عهده داشت، سپس طی سال‌های ۱۹۱۲-۱۹۰۶ نایب کنسولی رشت بود پس از آن در مراکش و از میر خدمت نمود و در اینجا بود

در نواحی مرکزی و شرقی ایران نیز کنسولخانه‌هایی گشایش یافتند. در سال ۱۸۹۳م مدیر شعبه تازه تاسیس بانک شاهنشاهی در یزد مکلود منزیس فرگوسن^۱ به عنوان نایب کنسول افتخاری این شهر انتخاب شد. یک سال بعد سر پرسی سایکس^۲ نیز جهت گشایش یک کنسول‌گری در کرمان از هند عازم ایران شد، تنها به این دلیل که چهل تاجر هندی در آنجا سکونت داشتند.^۳

علاوه بر این نواحی سیستان نیز از همان ابتدای روابط ایران و انگلستان در اوایل قرن نوزدهم دارای اهمیت بود. کرزن اشاره می‌کند سیستان از آن جهت برای انگلستان حائز اهمیت بود که همواره امکان قشون‌کشی فرانسوی‌ها و روس‌ها از این نواحی وجود داشت. سرجان مالکوم در سفر سوم خود به ایران در سال ۱۸۰۹م به جمع‌آوری اطلاعات جغرافیایی در این نواحی پرداخت و در طول قرن نوزدهم ماموران انگلیسی همچون سروان گرانت،^۴ هنری پوتینجر،^۵ ستوان کریستی،^۶ حاجی عبدالنبی افغان، و سرهنگ گلد اسمیت^۷ به گسترش نفوذ انگلستان در این منطقه پرداختند.^۸ ماموران انگلیسی سرگرد بریزیر کرو^۹ و وب‌یر^{۱۰} نیز مرتب سیستان را زیر نظر داشتند و گهگاهی به این نواحی سرکشی می‌کردند. سرپرسی سایکس نیز دو بار یک بار در سال ۱۸۹۶ و بار دوم در سال ۱۸۹۹ از سیستان دیدن نمود. در سال ۱۹۰۰م که روس‌ها موفق شدند کنسولگری خود را در سیستان تاسیس کنند، بلافاصله فرمانروای هندوستان، سرگرد جورج فردریک چنویکس ترنج^{۱۱} را مامور تاسیس کنسول‌گری در سیستان نمود. چنویکس یکسال بعد مامور سرکنسول‌گری مشهد شد و جای خود را به سرگرد رابرت آرتور ادوارد بن^{۱۲} داده بود. همچنین در سال ۱۹۰۳م نیز یک کنسول‌گری در تربت حیدریه احداث شد تا فعالیت روس‌ها را در این نواحی بیشتر تحت نظر بگیرند.^{۱۳}

که کتاب «مازندران و استرآباد» را به سال ۱۹۲۵ بطور کامل به نگارش در آورد و آن را به سید حسن تقی زاده تقدیم کرد. نک: رابینو، دیپلماتها و کنسولهای ایران و انگلیس، صص ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰.

۱ . Ferguson Macleod Menzies

۲ . Sir Percy Sykes

۳. رایت، انگلیسی‌ها در میان ایرانیان، ص ۱۷۵.

۴ . Capitan Grant

۵ . Henry Pottinger

۶ . Lieutenant Christie

۷ . Colonel Gold Smith

۸. نک: کرزن، ایران و قضیه ایران، ج ۲، صص ۳۱۳-۳۰۹.

۹ . Major Brazier Creagh

۱۰ . Webb Ware

۱۱ . Major G. F. Chenvix Trench

۱۲ . Major R. A. E. Benn

۱۳. نک: رابینو، دیپلماتها و کنسولهای ایران و انگلیس، صص ۵۸-۵۷ و ۴۰؛ رایت، انگلیسی‌ها در میان ایرانیان، صص ۱۷۵-۱۷۴ و

۱۶۹؛ سایکس، تاریخ ایران، ص ۵۲۴؛ و محمود، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم، ج ۷، صص ۱۱۸-۱۱۷.

در سال ۱۹۰۹ نیز یک کنسول‌گری در بیرجند تأسیس شد. پیش از این یک مامور انگلیسی به نام سر هنری ساویچ لندور^۱ که در اوایل قرن بیستم مامور جمع‌آوری اطلاعات سیاسی و جغرافیایی از نواحی مختلف ایران بود شهر بیرجند را محل رقابت سیاسی و تجاری روس و انگلیس ذکر می‌کند و می‌گوید که این شهر دارای اهمیت تجاری است و روس‌ها توانستند در اینجا بازاری برای قند، شکر و پارچه‌های پنبه‌ای خود برپا کنند وی می‌گوید: «برتری تجاری این شهر معین خواهد نمود که آیا ما در آینده قادر خواهیم بود تجارت خود را با نواحی جنوبی حفظ کنیم یا نه؟ هر گاه از این شهر رانده شویم باید به تجارت ما گفته شود «خداحافظ»، و به کلی از بازارهای شمالی، مرکزی، و جنوبی ایران محروم باشیم»^۲. لندور تأسیس یک کنسول‌گری در بیرجند را امری ضروری می‌دانست و معتقد است به جای نمایندگان دیپلماتیک از اعضای وزارت امور خارجه بهتر است افراد سیاسی همراه با یک گارد نظامی در اینجا به کار گرفته شوند.^۳ با وجود آنکه لندور در این زمان ظاهراً بر اهمیت حضور و نقش تجاری انگلیس در این منطقه اشاره دارد، اما عملاً چنین به نظر می‌رسد در لوای آن اهداف سیاسی و نظامی را دنبال می‌کند، زیرا بر حضور افراد سیاسی و تأسیس گارد نظامی تأکید می‌نمود. چنانکه در سیستان نیز چنین است و پیش از منافع تجاری در این نواحی نفوذ سیاسی و نظامی و مسئله حفظ هندوستان حائز اهمیت بود.

تمرکز انگلیس بر نواحی شمالی و شرقی با وجود آنکه چندان دارای منافع تجاری یا اتباع نبود دال بر جلوگیری از نفوذ روسیه بود و دفاتر کنسولی این نواحی بیشتر با اهداف سیاسی و نظامی تأسیس می‌شد. یکی از شیوه‌های انگلیس در این راستا برقراری ارتباط دوستانه با خاندان‌های متنفذ محلی بود، چنانکه در تشکیلات کنسول‌گری نواحی شمالی سه نسل از یک خاندان با لقب وکیل‌الدوله در استرآباد به اهداف امپریالیستی این دولت خدمت کردند.^۴ و یا در بیرجند خاندان شوکت‌الملک علم ارتباط و همکاری نزدیکی با کنسول‌گری آن داشته‌اند.^۵ در مناطق جنوبی نیز سروان دیوید لوریمر نایب کنسول اهواز ارتباط نزدیکی به خوانین بختیاری برقرار نمود.^۶

اگر چه بر اساس توافقنامه تجاری سرجان مک‌نیل در سال ۱۲۷۵ق/ ۱۸۴۱م ایجاد دفاتر کنسول‌گری بین ایران و انگلستان متقابل و دو جانبه بود، اما کنسول‌های ایران در لندن و بمبئی همچون کنسول‌های انگلیس در ایران حق مداخله سیاسی و قضایی در ارتباط با امور و اتباع خویش را نداشته‌اند. اما

1 . Sir Henry Savage Landor

۲. محمود، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم صص ۱۱۰-۱۰۹.

۳. همان، صص ۱۱۷، ۱۱۲.

۴. کاظم بیگی، «کنسول‌گری بریتانیا در ایالات جنوبی دریای مازندران در دوران قاجاریه و کارکنان محلی آن»، صص ۸۶-۸۰، ۷۳.

۵. رایت، انگلیسی‌ها در میان ایرانیان، ص ۴۹.

۶. همان، صص ۱۷۱-۱۷۰.

کنسول‌گری‌های انگلیس اتباع و ایرانیان حامی و تبعه خویش را تحت الحمایه خود قرار می‌دادند. و از کاپیتولاسیون یا حق قضاوت کنسولی برخوردار بودند.^۱ ظاهراً مسئله امنیت جانی، مالی، و قضایی تاجران و اتباع، وجود تعدد دفاتر کنسولی را در یک کشور الزامی می‌نماید^۲ و در ارتباط با وجود تعدد دفاتر کنسولی انگلیس در ایران ظاهراً به دلیل مسائل تجاری و حمایت از اتباع خویش اعم از انگلیسی، ایرانی و هندی بود، اما تعداد اتباع آنان در ایران آنقدر نبود که وجود این تعداد دفتر کنسول‌گری، و کنسول را در شهرهای مختلف لازم آید، چنانکه رایت اشاره می‌کند از تاریخ ۱۸۴۱م که انگلیس حق تاسیس کنسولگری را به دست آورده بود تا سال ۱۹۲۱م شمار انگلیسیان در ایران از تعداد انگلستان دست فراتر نمی‌رفت و همانند پرندهگان مهاجر کمیاب بودند و تعدادشان در این تاریخ تنها به ۲۳ نفر می‌رسید.^۳ یا چنانکه سخن آن رفت با وجود تعدد دفاتر کنسولی انگلیس در نواحی شمالی هیچ تبعه‌ای یا منافع تجاری در این نواحی نداشت. بنابراین می‌توان گفت هدف عمده انگلیس از تاسیس دفاتر متعدد به ویژه در مناطق شمالی، و شرقی همچون رشت، استرآباد، مشهد، بیرجند، سیستان، کرمان و سایر صرفاً تعمیم نفوذ خویش برای مقابله و جلوگیری از نفوذ روسیه و حفظ منافع خود در هندوستان بود. اما در نواحی مرکزی و جنوبی مثل یزد، اصفهان، اهواز، محمره (خرمشهر) در کنار تعمیم حوزه نفوذی خود اهداف تجاری را نیز دنبال می‌کرد.

نتیجه‌گیری

با پایان گرفتن جنگ‌های ایران و روس و انعقاد معاهده ترکمنچای (۱۲۴۳ق/۱۸۲۸م) روابط ایران و روس به مبادله سفرا و اسکان دائم نمایندگان سیاسی منتهی گردید که مطابق آن علاوه بر اینکه روس‌ها اجازه یافتند در هر شهری که نیاز باشد کنسول‌گری احداث کنند، از حقوق قضاوت کنسولی و یا کاپیتولاسیون نیز برخوردار شدند. از طرفی انگلیس نیز برای آنکه از رقیب خود عقب‌نماند تاسیس دفاتر کنسول‌گری را برای گسترش فعالیت‌های تجاری و برخورداری از حق کاپیتولاسیون برای حمایت از اتباع خویش را لازم می‌شمرد. حتی پیش از اینکه روس‌ها به چنین امتیازی دست یابند انگلیسی‌ها به دنبال تاسیس دفاتر کنسولی بودند، چنانکه سرهارفورد جونز در موافقتنامه مجمل (۱۲۱۴ق/۱۸۰۹م) از فتحعلی‌شاه در خواست نمود اجازه احداث کنسول‌گری در برخی شهرهای ایران را صادر کند. همچنین بخشی از ماموریت جانشین وی سرگور اوزلی نیز جلب حمایت ایران در کسب این امتیاز بود. بنابراین هر توافقنامه‌ای که میان ایران و انگلیس منعقد میشد سفرای انگلیس سعی می‌کردند اجازه

۱. همان، صص ۱۷۶-۱۷۵.

۲. Windler, "Diplomatic History as Field for Cultural Analysis: Muslim-Christian Relations in Tunis, 1700-1840", PP 79-106.

۳. رایت، انگلیسی‌ها در میان ایرانیان، صص ۱۵۴-۱۵۳.

تأسیس کنسول‌گری را نیز به دست بیاورند. اما تلاش سفرای بعدی نیز به جایی نرسید و همواره با مخالفت دولت ایران مواجه می‌شد. روس‌ها نیز در یک شرایط جنگی نابرابر توانستند خواسته‌های خود را بر ایران تحمیل کنند. از آنجا که درخواست‌های انگلیس در قالب چانه‌زنی بود همواره با پاسخ منفی دولت ایران مواجه می‌شد. تنها پس از مسئله محاصره هرات توسط ایران و واکنش شدید انگلیس به اشغال برخی مناطق جنوب بود که ایران کوتاه آمد و بزنگاهی فراهم شد تا انگلیس مثل روسیه خواسته‌های خود را بر ایران تحمیل کند. مطابق قرارداد تجاری که در سال ۱۲۷۵ق/ ۱۸۴۱م منعقد شد برای اولین بار انگلیسی‌ها دو کنسول‌گری نیز در تبریز و تهران تأسیس کردند. کاپیتولاسیون و افزایش تعداد کنسولخانه‌های انگلیس در ایران نیز به دنبال مسئله افغانستان و عقد معاهده پاریس (۱۲۷۳ق/ ۱۸۵۷م) بود که انگلیس به آن دست یافت. علاوه بر فعالیت‌های تجاری، و رسیدگی به امور اتباع، فعالیت‌های جاسوسی، جمع‌آوری اطلاعات، و ارتباط با خاندان‌های محلی، هدف عمده انگلیس از تأسیس و افزایش تعداد کنسول‌گری‌ها به ویژه در نواحی شمالی و شرقی گسترش حوزه نفوذ خود در مقابل روسیه و حفظ هندوستان از تعرض احتمالی روسیه بود. با وجود این در نواحی جنوبی اهداف تجاری بیشتر مورد توجه قرار گرفته بود.



منابع و مأخذ

- آوری، پیتر. *تاریخ معاصر ایران، از تاسیس تا انقراض سلسله قاجار*. ترجمه محمد رفیعی مهر آبادی. چ سوم. تهران: موسسه انتشارات عطایی، ۱۳۷۳.
- بهار، مهدی. *میراث خوار استعمار*. چ پانزدهم، تهران: امیرکبیر، ۲۵۳۷.
- پیرسون، پاول. *سیاست در بستر زمان، تاریخ، نهادها و تحلیل اجتماعی*. ترجمه محمد فاضلی. تهران: نشر نی، ۱۳۹۰.
- رایینو، لویی. *دیپلماتها و کنسولهای ایران و انگلیس*. ترجمه غلامحسین میرزا صالح. تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۳.
- رایت، دنیس. *انگلیسی‌ها در میان ایرانیان*. ترجمه اسکندر دلد. تهران: انتشارات نهال، ۱۳۶۴.
- سایکس، پرسی. *تاریخ ایران*. ج دوم. ترجمه سید محمد فخر داعی گیلانی. تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۳.
- شمیم، علی اصغر. *ایران در دوره سلطنت قاجار*. چ چهارم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۲.
- طلوعی، محمود. *ترس از انگلیس*. تهران: انتشارات هفته، ۱۳۶۹.
- فوران، جان. *مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران*. ترجمه احمد تدین. چ سوم. تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۰.
- کاظم بیگی، محمدعلی. «کنسول گری بریتانیا در ایالات جنوبی دریای مازندران در دوران قاجاریه و کارکنان محلی آن». *تحقیقات تاریخ اجتماعی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۱، شماره ۲، ۱۳۹۰. صص ۹۹-۷۱.
- کرزن، ج. ن. *ایران و قضیه ایران*. ج دوم. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی. چ پنجم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰.
- لسان‌الملک سپهر، محمد تقی. *ناسخ التواریخ*. چ سوم. به اهتمام جمشید کیانفر. تهران: اساطیر، ۱۳۷۷.
- مالکوم، جان. *تاریخ ایران*. ترجمه میرزا اسماعیل حیرت. به کوشش مرتضی سیفی قمی تفرشی و ابراهیم زندپور. تهران: انتشارات یساولی، ۱۳۶۲.
- محمود، محمود. *تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم*. چ هفتم. چ چهارم. تهران: انتشارات اقبال، بی تا.
- مکنزی، چارلز. *سفرنامه شمال*. ترجمه منصوره اتحادیه (نظام مافی). تهران: نشر گستره، ۱۳۵۹.
- مورا، آندره. *تاریخ انگلستان*. ترجمه عنایت‌الله شکیبایی پور. چ دوم. تهران: انتشارات جمهوری، ۱۳۶۶.
- میراحمدی، مریم. *پژوهشی در تاریخ معاصر ایران*. چ پنجم. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۷.
- مهدوی، هوشنگ. *تاریخ روابط خارجی ایران*. چ سوم. تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴.
- واتسن، رابرت. *تاریخ قاجار*. ترجمه عباسقلی آذری. بی جا: بی نا، ۱۳۴۰.

- Goey, Ferry .“The business of Consuls, Consuls and businessmen” .Erasmus University Rotterdam .faculty of history and art, 2010
- Griffin, Eldon, “Clippers and Consuls”, Wilmington: Edwards brothers .Incorporated . 1938
- Windler, Christian .“Diplomatic History as Field for Cultural Analysis: Muslim-Christian Relations in Tunis, 1700-1840” .The Historical Journal44: 1, 2001, PP 79-106.

